

اثرات توسعه گردشگری روستایی بر بخش کشاورزی  
(مطالعه موردی: (روستاهای جلگه ای دهستان میان بند شهرستان نور)

ناصر علیقلی زاده فیروزجایی

استادیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۳

هدف از این پژوهش شناخت پیامدهای توسعه گردشگری بر بخش کشاورزی در راستای تحلیل ماهیت پیوند بین این دو بخش، در نواحی روستایی دهستان میان بند شهرستان نور می باشد. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش انجام توصیفی و تحلیلی مبتنی بر پیمایش است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه سرپرستان خانوار روستایی این دهستان می باشد. داده های این تحقیق از طریق پرسشنامه و مصاحبه جمع آوری گردید. با توجه به گستردگی جامعه آماری، از روش نمونه گیری کوکران تعداد ۳۲۲ سرپرستان خانوار نمونه به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده است. در تحلیل داده های این تحقیق از آزمون های آماری تک نمونه ای، تی وابسته و همبستگی استفاده شد. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که تاثیرات توسعه گردشگری برمؤلفه هایی نظیر میزان تولیدات کشاورزی، اشتغال در بخش کشاورزی، ارزش افزوده و سود حاصله از تولیدات بخش کشاورزی و میزان انگیزه برای فعالیت و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی با سطح تاثیرات مطلوب آنها تفاوت معناداری داشته است. بنابراین توسعه گردشگری در این منطقه نتوانسته است پیوند مکمل و مطلوبی با بخش کشاورزی برقرار کند به طوری که توسعه گردشگری در این منطقه، باعث بروز چالش هایی از قبیل تغییرات شدید کاربری اراضی زراعی و باغی، کاهش تولیدات زراعی و باغی و دامی، کاهش انگیزه برای کار و فعالیت ساکنان روستایی در بخش کشاورزی شده است. بنابراین روند توسعه گردشگری روستایی در این منطقه موجب پیوند و رابطه نامطلوب با بخش کشاورزی شده و تخریب و آسیب این بخش را در پی داشته است.

کلید واژه ها:

گردشگری  
روستایی، کشاورزی، اثرات،  
پیوند. شهرستان نور.

مقدمه

بسیاری از فعالیت های اقتصادی در نواحی روستایی طی چند دهه گذشته دچار افول شدید شده و سطح درآمد و اشتغال به ویژه در فعالیت های کشاورزی سنتی، کاهش یافته است (شارپلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۲۳۴). عواملی نظیر قیمت پایین محصولات کشاورزی، هزینه فزاینده ستانده های تولید، جهانی سازی و دیگر عوامل به طور اساسی باعث کاهش درآمد و اشتغال در محیط روستا و به ویژه بخش کشاورزی شده است در نتیجه این امر، خیلی از زارعان مجبور به فروش اراضی زراعی، جستجوی شغل در سایر بخشها یا کشف روشهای جایگزین به منظور ادامه موفقیت آمیز فعالیتهای کشاورزی شده اند (مک گیپهی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۱۱۱). بنابراین با توجه به مشکلات اقتصادی روستاییان و گسترش روزافزون مهاجرت های روستایی و افول فعالیتهای کشاورزی در نواحی روستایی؛ نیاز روزافزون به فعالیتهای جایگزین و در عین حال مکمل برای کشاورزی در نواحی روستایی احساس می شود تا به منظور توسعه پایدار روستایی، امکان بهره مندی روستاییان از معیشت پایدار فراهم آید که این خود بهبود کیفیت زندگی و رضایتمندی روستایی را به

<sup>1</sup> Sharpley

<sup>2</sup> McGehee

همراه دارد با توجه به این عوامل، پویایی اقتصاد روستایی از طریق فعالیتهای مربوط به تمامی بخشهای اقتصادی امری الزامی است (مطیعی لنگرودی و رضاییه آزادی، ۱۳۹۲، ۷۷). بدین ترتیب گردشگری به عنوان یکی از فعالیتهای مهم با ظرفیت فراوان جهت تقویت و تنوع بخشی پایه های اقتصادی روستا شناخته شده است (بیرد و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۶۹۳). به طوری که در نواحی روستایی کشور آمریکا، از دهه ۱۹۸۰ به دنبال کاهش گسترده فعالیتهای مرسوم اقتصاد روستایی همچون کشاورزی، جنگلداری و معدن داری، به منظور فراهم سازی اشتغال محلی، درآمدهای مالیاتی و تنوع بخشی به اقتصاد روستایی، گردشگری به عنوان ابزار توسعه اقتصاد ناحیه به عنوان فعالیت مکمل در نواحی روستایی و در پیوند مطلوب با بخش کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است (علیقلی زاده فیروزجایی، ۱۳۸۷: ۵۴).

در پی تغییرات و تحولات جهانی، بخش کشاورزی در نواحی روستایی، نه تنها منبع تولیدات غذایی برای گرد شگران، بلکه به عنوان جاذبه ای جهت توسعه گردشگری تلقی می شود. اما آنچه که در این زمینه به عنوان مساله مطرح است نحوه پیوند و ماهیت رابطه متقابل بخش کشاورزی و گردشگری در راستای توسعه پایدار گردشگری است در این خصوص، مطالعات نشان می دهد ماهیت رابطه بین گردشگری و کشاورزی، بسیار پیچیده، چند وجهی، متغیر و پویا در نظر گرفته می شود (تورس و ممسن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). به طوری که، این رابطه و پیوند، طیفی از وضعیت تضاد بین این دو بخش که در آن گردشگری با بخش کشاورزی در زمینه آب، کارگر و زمین رقابت می کند تا طیفی از وضعیت مکمل و سازگار که در آن به طور نمونه در بخش گردشگری، تولیدات بخش کشاورزی به فروش می رسد و از چشم اندازهای کشاورزی در جهت توسعه گردشگری مزرعه ای مورد استفاده قرار می گیرد را شامل می شود (روگرسون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲، ۴۷۸).

با توسعه انبوه و خودجوش گردشگری در نواحی روستایی دهستان میان بند شهرستان نور، تغییرات شدیدی در بخش کشاورزی ایجاد شده است. به طوری که توسعه گردشگری در این منطقه باعث بروز تغییراتی نظیر تغییرات کاربری اراضی کشاورزی نواحی روستایی به شهرک سازی و خانه های دوم، کاهش شاغلین و تولیدات بخش کشاورزی، خریداری اراضی مرغوب و زراعی ساکنین بومی توسط بورس بازان و افزایش قیمت آن به صورت کاذب، و مانند آن در بخش کشاورزی شده است. به طوری که توسعه گردشگری با تقاضا برای کسب زمین عمدتاً با هدف ساخت و ساز خانه دوم، در طی دو دهه از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵، بخش عظیمی از منابع زمین را از بخش کشاورزی خارج کرد. رقابت بخش گردشگری با کشاورزی بر سر منابع زمین به دو شکل (۱) تغییر کاربری اراضی زراعی و باغات و تبدیل آن به ساخت و سازهای مرتبط با بخش گردشگری (عمدتاً ساخت خانه های دوم) (۲) بایر کردن اراضی زراعی و عدم کشت آن و زمینه سازی برای فروش آن تبلور یافت. بر اساس اطلاعات بدست آمده مساحت اراضی زراعی و باغی در ناحیه مورد مطالعه در سال ۱۳۷۵، ۹۰۰ هکتار و این مقدار در سال ۱۳۹۵ به ۷۰۰ هکتار کاهش پیدا کرد و بیشترین کاهش سطح اراضی، مربوط به اراضی زراعی و در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ همزمان با توسعه گردشگری در این منطقه بوده است. بر این اساس این پژوهش درصدد است تا میزان تاثیر و پیامدهای توسعه گردشگری روستایی بر تغییرات بخش کشاورزی در ناحیه مورد مطالعه را در راستای تحلیل و تبیین ماهیت پیوند بین این دو بخش، مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. در راستای این هدف سوال تحقیق نیز به شرح ذیل می باشد؟

میزان اثرات و پیامدهای توسعه گردشگری روستایی بر بخش کشاورزی ناحیه مورد مطالعه در چه حدی است؟

### مبانی نظری

محققان معتقدند جامعه ای که قرار است گردشگری را، به عنوان ابزار توسعه اقتصادی برای تنوع بخشی اقتصاد روستایی بکار گیرند باید سیاستهایی در راستای توسعه پایدار اتخاذ نمایند (بیرد و همکاران، ۲۰۰۹: ۶۹۳). در این خصوص سطح پایداری گردشگری در نواحی روستایی، به پاسخ مناسب و مطلوب محیط روستا و به ویژه بخش کشاورزی به نقش ها و تقاضای در حال پیدایش فعالیتهای گردشگری و تفریحی آن وابسته است. کشف و شناخت این نقشها، منجر به ایجاد و هدایت کارکردهای جدید برای نواحی روستایی و در نهایت باعث تنوع بخشی

<sup>1</sup> Byrd et al

<sup>2</sup> Torres and Momsen

<sup>3</sup> Rogerson

اثرات توسعه گردشگری روستایی بر بخش کشاورزی (مطالعه موردی: روستاهای جلگه ای دهستان میان بند شهرستان نور) ۱۱۳

فعالیت‌های روستایی از جمله بخش کشاورزی خواهد شد (سیرینا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ۱۰۸). در این راستا گیلبرت<sup>۲</sup> بیان می‌کند که جهت اطمینان از دستیابی به پایداری در نواحی روستایی، می‌بایست فعالیت‌های گوناگون نظیر گردشگری و کشاورزی جهت طراحی راهبرد واحد باید با هم تلفیق و یکپارچه شوند (مک کلینسی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹: ۳۴).

گردشگری و کشاورزی پتانسیل زیادی برای همکاری و پیوند مطلوب با یکدیگر در قالب یک رابطه نزدیک در چارچوب توسعه پایدار گردشگری دارند به طوری که بهبود و توسعه نظام حمل و نقل برای گردشگری، از طریق افزایش سهولت دسترسی به بازارهای بالقوه می‌تواند به بخش کشاورزی هم کمک‌کنند این زیر ساخت‌ها نه تنها به کشاورزی کمک می‌رساند بلکه به گردشگران امکان می‌دهد تا سفر کنند و چشم‌اندازهای کشاورزی را مشاهده کنند و براین اساس بسیاری از محققان، گردشگری مزرعه‌ای و کشاورزی را راهی برای تعادل بخشی رقابت میان این دو فعالیت مهم در سطح محلی پیشنهاد می‌دهند (قدمی و صالحی، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

همچنین مطالعات نشان می‌دهد که در زمان بحران اقتصادی، مانند کاهش محصولات کشاورزی و یا کاهش قیمت محصولات در یک منطقه، توسعه گردشگری ممکن است راهی برای ایجاد درآمد مکمل برای خانواده‌های کشاورز باشد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵). توسعه گردشگری در نواحی روستایی می‌تواند فرصت‌های شغلی غیرزراعی را برای زارعان و فروش تولیدات کشاورزی را به گردشگران فراهم کند. همچنین افزایش درآمد از فعالیت‌های گردشگری برای روستاییان، می‌تواند موجب ایجاد درآمد ثانویه و بیشتری در جهت تداوم فعالیت‌های کشاورزی باشد در عین حال، در راستای پیوند مطلوب بین این دو بخش، ساختار کشاورزی نیز از سوی روستاییان باید به گونه‌ای مورد اصلاح قرار گیرد تا نیازهای توسعه بخش گردشگری فراهم آید (لیو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). در نتیجه این امر در راستای پیوند قوی اقتصاد محلی از جمله بخش کشاورزی با توسعه گردشگری در نواحی روستایی، منافع محلی حاصله از توسعه گردشگری، نظیر کاهش فقر نیز به حداکثر خود می‌رسد (روگرسون و پیلای<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳: ۵۰).

با توجه به این که تقریباً یک سوم هزینه‌های گردشگران در هر مقصدی، مربوط به غذا و نوشیدنی می‌باشد و از سویی تقاضای گردشگران برای تولیدات غذاهای محلی در حال افزایش است بنابراین تشویق روستاییان به تولیدات غذاهای محلی برای رفع نیازهای غذایی گردشگران، به عنوان یکی از مولفه‌های پیوند بین بخش گردشگری و کشاورزی، به لحاظ ابعاد اقتصادی تاثیر معناداری بر توسعه کشاورزی در نواحی روستایی خواهد گذاشت (روگرسون، ۲۰۱۲: ۴۷۸ و هالر و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷: ۲). بنابراین مصرف تولیدات از جمله غذاهای محلی در نواحی روستایی، به عنوان بخش بسیار مهم از فعالیت گردشگری شناخته شده است. غذاهای محلی خود به عنوان یک جاذبه و مصرف آنها تجربیات گردشگران را شکل می‌دهد (سانچز پیرا و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۷: ۱۱). در این راستا، باید به طور استراتژیکی، استفاده از تولید غذاهای محلی در بخش گردشگری در جهت پیوند مطلوب پسین اقتصادی بخش گردشگری با بخش کشاورزی، افزایش یابد (پیلای و روگرسون، ۲۰۱۳: ۵۰).

وجود نمونه‌های متعدد در ادبیات موضوع حاکی از آن است که در بعضی موارد گردشگری ممکن است به طور مستقیم انواع بخصوصی از کشاورزی را در راستای رفع نیازهای گردشگران رونق دهد. کوکس، بوون و فوکس در دفاع از اثرات مثبت توسعه گردشگری بر بخش کشاورزی و پیوند مطلوب این دو بخش با مطالعه موردی در هاوایی به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه گردشگری در نواحی روستایی هاوایی ساختار بخش کشاورزی را بدون افول و اضمحلال آن تغییر داد این تغییرات نه تنها موجب آسیب به بخش کشاورزی نشده است بلکه عملاً باعث تغییرات مطلوب گسترده در این بخش گردید. در این رابطه آنها ادعا می‌کنند که فقط قسمت خیلی کمی از اراضی این منطقه براساس قوانین زون بندی کاربری اراضی، تغییر کاربری و تبدیل به مجتمع‌های تفریحی و اقامتی شده است. و توسعه گردشگری در این منطقه، علاوه بر فراهم کردن بازارهای محلی در جهت رفع نیازهای گردشگران، موجب تقویت کشاورزی صادراتی نیز شده است (کوکس و همکاران<sup>۸</sup>، ۱۹۹۴: ۲۱۱). همچنین نتایج مطالعات سیو در کشور چین نشان می‌دهد توسعه گردشگری در نواحی روستایی تاثیر معناداری بر افزایش درآمد کشاورزان، ایجاد اشتغال در نواحی روستایی و در بخش کشاورزی و به طور کلی در بهبود ساختار اقتصادی روستا داشته است (سیو<sup>۹</sup>، ۲۰۱۱: ۳۴). همچنین طبق گزارش توسعه کشاورزی چین تا اواخر سال ۲۰۱۱، در

<sup>1</sup> Cerina et al

<sup>2</sup> Gilbert

<sup>3</sup> Mc Clinchey

<sup>4</sup> Liu et al

<sup>5</sup> Rogerson and Pillay

<sup>6</sup> Hüller et al

<sup>7</sup> SanchesPereira et al

<sup>8</sup> Cox, et al

<sup>9</sup> su

این کشور تعداد ۸۵ هزار روستا، و مجموعاً ۱/۷ میلیون نفر در کشاورزی تفریحی (گردشگری کشاورزی) و گردشگری روستایی فعالیت داشته اند (ورمزیاری و همکاران، ۱۳۹۶، ۷۸). مطالعات پان و همکاران<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۹ نیز بیانگر آن است که برای تولیدکنندگان کشاورزی کوچک مقیاس، توسعه گردشگری می تواند فرصت زیادی را برای افزایش درآمد بوسیله بازاریابی تولیدات کشاورزی شان مانند (میوه تازه، سبزی و گل) فراهم کند. در این رابطه اینترنا و همکاران<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۷ در مطالعاتشان به این نتیجه رسیدند اگر توسعه گردشگری به طور منطقی در چشم اندازهای کشاورزی توسعه یابد می تواند درآمد قابل ملاحظه ای را برای زارعان محلی ایجاد کند. استات<sup>۳</sup> در مطالعه خود در جزیره میکونوس آورده است که گردشگری با بازکردن بازارهای جدید بر روی تولیدات تازه زراعی، باغی و دامی در راستای رفع نیازهای گردشگران، موجب رونق اقتصاد محلی گردید. منافع ناشی از این رونق یابی به صنعت ماهیگیری محلی نیز گسترش یافت (استات، ۱۹۸۰: ۷۸). نوود و همکاران<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۶ در مطالعاتشان به این نتیجه رسیدند که بخش کشاورزی و گردشگری بیش از این که منافع متضادی با هم داشته باشند با هم منافع متقابل مشترکی برای توسعه پایدار دارند (میچل و اشلی، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

یکی دیگر از مولفه های پیوند بین بخش گردشگری و کشاورزی در نواحی روستایی، توسعه گردشگری مزرعه ای است. گردشگری مزرعه ای باعث ایجاد فرصت های متنوع برای کشاورزان و دامداران می شود که این فرصت ها مثل سپرهای ضربه گیر در مقابل نوسانات بازار از اقتصاد روستا محافظت می کند (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۸، ۴۸). در این زمینه مطالعات بیانگر آن است که توسعه گردشگری مزرعه ای نقش اساسی و کانونی را در اقتصاد روستایی ایفاء می کند و با ایجاد درآمد در حفظ و توسعه فعالیت های کشاورزی و در قابلیت سوددهی مزرعه داری تاثیر معناداری داشته است (استریفیندر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶: ۲۵۳). گردشگری مزرعه ای، علاوه بر افزایش درآمد خانوارهای کشاورز، باعث افزایش مالیات بر فروش، ایجاد اشتغال محلی و رونق بخشی فعالیت های خدماتی محلی نظیر فروشگاهها و رستوران ها نیز می شود (تیو و باربیری<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲: ۲۱۶). همچنین مطالعات نشان می دهد که درآمد حاصل از این نوع گردشگری، در کشور آمریکا حدود ۸۰۰ میلیون دلار در سال است. به دلیل تنوع محصولات کشاورزی و مزارع، کالیفرنیا یکی از بهترین ایالت ها در آمریکا به منظور تفریح و اقامت در یک مزرعه است (کریمی، ۱۳۹۳: ۷۷). براساس گزارش توسعه کشاورزی چین تا اواخر سال ۲۰۱۱، در این کشور ۸۵ هزار روستا و ۱/۷ میلیون نفر در کشاورزی تفریحی (گردشگری مزرعه ای) و گردشگری روستایی فعالیت داشته اند و از نواحی روستایی این کشور در همین سال، ۷۲۰ میلیون نفر بازدید کرده اند که حاصل آن فروش (درآمد) ۲۱۶ میلیارد یوانی بوده است (ورمزیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴۸).

نتایج یافته های بسیاری از محققان نیز نشان می دهد که توسعه گردشگری در نواحی روستایی باعث رشد و توسعه کشاورزی نشده است. به طور نمونه مطالعاتی که توسط دی کادی (۱۹۷۹)، بلیسل (۱۹۸۳) و ویور و لاوتان<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) از جزایر کاراییب انجام شده است نشان می دهد که کشاورزان نتوانسته اند تولیدات کشاورزی را در پاسخ به رفع نیازهای خاص بخش گردشگری تطبیق دهند و از بخش گردشگری منفعت ببرند. همچنین نتایج یافته های کات سوریس و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۴) از نواحی روستایی مناطق کوهستانی یونان بیانگر آن است که روابط و پیوند متقابل بین بخش گردشگری و کشاورزی ضعیف بوده است به طوری که افراد غیربومی یا غیر ساکن در مناطق روستایی، از فرصت های توسعه گردشگری سود برده اند و منافع حاصل از توسعه گردشگری موجب حمایت از اقتصاد محلی به ویژه بخش کشاورزی نشده است.

همچنین نتایج بررسی از برخی از مناطق در دنیا نشان می دهد که توسعه گردشگری با خارج کردن کارگران بخش کشاورزی و تغییر کاربری زمینهای زراعی باعث آسیب به بخش کشاورزی به ویژه کاهش تولیدات کشاورزی محلی می شود (تورس<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳: ۵۴۷). در این رابطه بلیسل معتقد است که در نتیجه توسعه گردشگری در نواحی روستایی، معمولاً قیمت زمین افزایش می یابد و به تغییر کاربری از اراضی کشاورزی به زیر ساختارهای مرتبط با گردشگری، شهر سازی و مجتمع های تفریحی منجر می شود (بلیسل<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۳: ۵۰۲). نتایج مطالعات

<sup>1</sup> Pan et al

<sup>2</sup> Entrena et al

<sup>3</sup> Stott

<sup>4</sup> Knowd et al

<sup>5</sup> Streifeneder

<sup>6</sup> Tew and Barbieri

<sup>7</sup> Weaver and Lawton

<sup>8</sup> Koutsouris et al

<sup>9</sup> Torres

<sup>10</sup> Belisle

تیراکووسکی<sup>۱</sup> از سواحل مدیترانه ای اسپانیا نشان می دهد که توسعه گردشگری در این منطقه باعث تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تبدیل آن به ساخت و ساز و از دست رفتن زمین های کشاورزی حاصلخیز و با ارزش و کاهش تولیدات کشاورزی شده است و کارگران کشاورزی نیز در جستجوی فعالیت های بخش خدمات و ساخت و ساز مرتبط با بخش گردشگری، از فعالیت در این بخش خارج شده اند (تلفر و وال<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۶۳۸). همچنین اسپیرپاک<sup>۳</sup> و همکاران<sup>۳</sup> در مطالعات شان در سال ۲۰۱۹ به این نتیجه رسیدند که به طور کلی ارزش زیبایی شناختی دره اوتزتال اتریش، در نتیجه تغییر استفاده اراضی از کشاورزی به گردشگری کاهش یافته است. مطالعات زانگ و همکاران از کشور فیلیپین نیز بیانگر آن است که به طور کلی توسعه گردشگری به خاطر عدم تعادل منافع بین ذی نفعان، موجب تشویق کشاورزان برای حفظ چشم اندازهای کشاورزی نشده است.

در مورد اثرات گردشگری بر منابع کارگری کشاورزی نیز، محققان براین باورند که حقوق بالای پرداخت شده تو سط بخش گردشگری، کارگران را از تولیدات بخش کشاورزی خارج می کند و این امر باعث کمبود کارگر در بخش کشاورزی می شود (بوون و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰: ۴۶). نتایج مطالعات بسیاری از محققان حاکی از آن است که یکی از عوامل موثر در رابطه به تضاد روابط بین بخش کشاورزی و گردشگری، به ظرفیت پایین بخش کشاورزی در زمینه اشتغال و درآمد زایی برای جامعه محلی در مقایسه با گردشگری بر می گردد (قدمی و غلامیان بایی، ۱۳۹۳: ۹۴).

### روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش انجام توصیفی تحلیلی مبتنی بر پیمایش می باشد. متغیرها و شاخص های تحقیق با مطالعه مبانی نظری، پیشینه تحقیق و پیمایش میدانی اولیه از ناحیه مورد مطالعه استخراج گردید. داده های مربوط به هر یک از متغیرها از طریق مشاهدات میدانی، مصاحبه و پرسشنامه روستا و سرپرستان خانوار گردآوری شده است. پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق از نوع محقق ساخته می باشد. واحد تحلیل در این پژوهش، نقاط روستایی و سرپرستان خانوار روستایی بوده و جامعه آماری این پژوهش روستاهای جلگه ای دهستان میان بند شهرستان نور می باشد. با توجه به گستردگی جامعه آماری در تکمیل پرسشنامه از روش نمونه گیری استفاده گردید. تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه با استفاده از فرمول کوکران<sup>۳۲۲</sup> خانوار بدست آمد. جهت تعیین سهم پرسشنامه خانوار و انتخاب عضو نمونه برای هر روستا از روش نمونه گیری طبقه بندی شده متناسب (براساس تعداد خانوار) استفاده شد (جدول ۲).

<sup>1</sup> Tyrakowski

<sup>2</sup> Telfer and Wall

<sup>3</sup> Schirpke et al

<sup>4</sup> Bowen et al

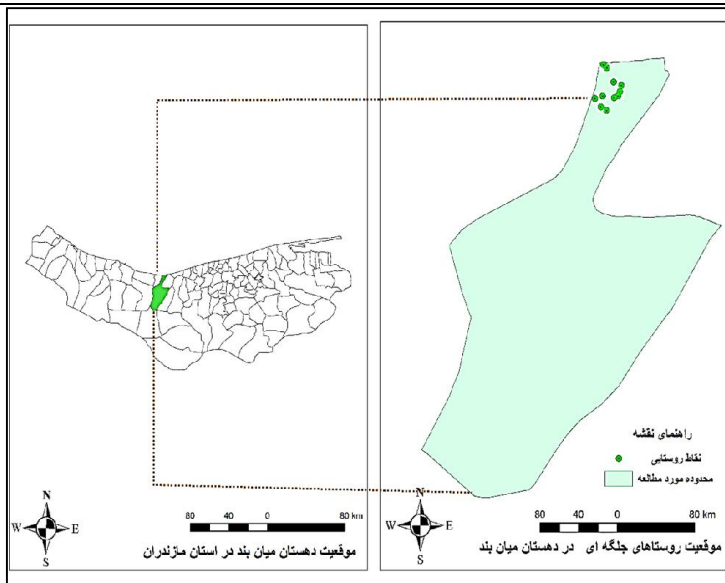
جدول شماره (۱): تعداد خانوار، جمعیت و حجم نمونه سرپرستان خانوارها به تفکیک روستاها

ردیف	نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت	تعداد نمونه
۱	هندومرز	۱۱۴	۳۶۳	۱۳
۲	تاشکوه سفلی	۳۲۸	۱۰۸۶	۳۸
۳	حسین اباد	۴۳۱	۱۳۹۵	۵۰
۴	تاشکوه وسطی	۱۸۰	۶۱۲	۲۱
۵	تاشکوه علیا	۳۸۹	۱۲۶۶	۴۵
۶	توسکا	۲۴۹	۸۴۱	۲۹
۷	کردمحلہ	۱۰۹	۳۵۰	۱۳
۸	تیرکده سفلی	۱۱۵	۳۸۰	۱۳
۹	تیرکده علیا	۱۵۰	۴۷۸	۱۸
۱۰	کاسگرمحلہ	۴۶۶	۱۴۸۴	۵۵
۱۱	خرم اباد	۵۶	۱۷۸	۷
۱۲	زرین کلا	۱۶۸	۵۲۳	۲۰
جمع کل		۲۷۵۵	۸۹۵۶	۳۲۲

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵.

جهت سنجش متغیرهای پژوهش در پرسشنامه خانوار از طیف پنج گزینه ای لیکرت (بسیار کم تا بسیار زیاد) استفاده شد که عدد یک بیانگر بسیار کم و عدد پنج بیانگر بسیار زیاد می باشد. همچنین برای سنجش اعتبار یا روایی ابزار اندازه گیری، از روش اعتبار صوری و برای سنجش میزان پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به طوری که روایی ظاهری و مفهومی پرسشنامه از طریق نظر مشورتی چند نفر از متخصصان مرتبط بدست آمده است و میزان پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه) بعد از اصلاح، ۰/۸۲ بوده است که نشان دهنده مورد تایید بودن ابزار تحقیق می باشد در تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده علاوه بر روش های آماری توصیفی، از آزمون های آماری استنباطی نظیر آزمون های تی تک نمونه ای، تی وابسته و همبستگی وی کرامر استفاده شد.

دهستان میان بند در بخش مرکزی شهرستان نور قرار دارد این دهستان در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۰۲ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۵ دقیقه واقع شده است و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۵۴۴ متر می باشد. همچنین این ناحیه دارای ۳۰ نقطه روستایی می باشد که از این تعداد، ۱۲ سکونتگاه در بخش جلگه ای این دهستان قرار دارد و براساس آمار سال ۱۳۹۵، روستاهای جلگه ای این دهستان در قالب ۲۷۵۵ خانوار و ۸۹۵۶ نفر جمعیت بوده است.



شکل شماره (۱): موقعیت ناحیه مورد مطالعه

## یافته ها

### یافته های توصیفی

بررسی نتایج مستخرج از پرسشنامه بیانگر آن است که از مجموع ۳۲۲ نفر نمونه آماری از سرپرستان خانوار ساکن دهستان، بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۲۵-۳۰ سال، معادل ۳۵٫۷ درصد، و کمترین فراوانی گروه سنی مربوط به ۶۵ ساله و بیشتر، معادل ۸ درصد بوده است. همچنین ۹۶ درصد از جامعه آماری را مردان و ۴ درصد را زنان تشکیل می دهند. بررسی سطح سواد نیز بیانگر آن است که در مجموع ۵۸ درصد دیپلم و کمتر از دیپلم ۱۰ درصد فوق دیپلم ۲۶ درصد کارشناسی و ۶ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. فعالیت اقتصادی بیشتر پاسخ دهنده گان، فعالیتها ساختمانی مرتبط با بخش گردشگری می باشد.

### یافته های تحلیلی

از اثرات توسعه گردشگری بر بخش کشاورزی و از جنبه های عینی تقابل بین این دو بخش در نواحی روستایی دهستان میان بند شهرستان نور، رقابت بر سر منابع زمین می باشد. زمین به عنوان مهم ترین فاکتور تولید در بخش کشاورزی، در نتیجه توسعه گردشگری در این منطقه تبدیل به یکی از مهم ترین عرصه رقابت بین این دو بخش شده است.

توسعه گردشگری و افزایش تقاضای ناشی از آن برای ساخت خانه های دوم و ویلاسازی در نواحی روستایی این منطقه همراه با رونق بورس بازی و سوداگری زمین، باعث رشد چشمگیر قیمت اراضی کشاورزی و افزایش کاذب قیمت آن شده است. در این رابطه یافته های میدانی نشان می دهد که میانگین قیمت اراضی کشاورزی که در سال ۱۳۸۵، ده هزار تومان برای هر متر مربع بوده است در سال ۱۳۹۵، به طور میانگین برای هر متر مربع به یکصد هزار تومان افزایش داشته است. این امر گرچه از یک سو به خاطر بالا رفتن ارزش دارایی ها و سرمایه ارضی ساکنان به عنوان پیامد مثبت تلقی می شود اما از سوی دیگر افزایش قیمت اراضی کشاورزی در غیاب قوانین و مقررات کارآمد کاربری اراضی و ضعف جدی در اجرای آن در گذشته به همراه پایین بودن میزان درآمد بخش کشاورزی در مقایسه با بخش گردشگری، مقایسه سود حاصل از فروش آن با درآمد حاصل از این فعالیت و مضاف بر آن سختی کار و فعالیت در این بخش، منجر به فروش اراضی و تغییرات شدید کاربری اراضی زراعی و باغی در نهایت کاهش تولیدات زراعی و باغی گردیده است.

در نتیجه توسعه گردشگری، کاربری نواحی ساخته شده در نواحی روستایی این منطقه رشد چشمگیری داشته است. یکی از نشانه های کاربری نواحی ساخته در این منطقه در نتیجه توسعه گردشگری، خانه های دوم و ویلاها می باشد. به طوری که تعداد خانه های دوم در



روستاهای مورد مطالعه در سال ۱۳۷۵، ۵۰۰ واحد بوده است که در سال ۱۳۹۵، به ۲۰۰۰ واحد افزایش داشته است. همچنین یافته های میدانی نشان می دهد که میانگین مساحت عرصه و اعیانی خانه های دوم، جمعاً ۳۰۰ مترمربع بوده است. با توجه به این که شکل گیری خانه های دوم عمدتاً در پیرامون بافت روستا و بر روی زمینهای زراعی بوده است بنابراین ۶۰ هکتار از اراضی زراعی این منطقه تغییر کاربری و تبدیل به خانه های دوم شده است. از طرف دیگر یافته های میدانی نشان می دهد بخشی از اراضی زراعی منطقه با فروش به گردشگران گرچه کاربری آن تبدیل به کاربری مسکونی ویلایی (خانه های دوم) نشده است اما کاربری این نوع اراضی به صورت بایر درآمده و فعالیت زراعی صورت نمی گیرد در این رابطه ۳۰ هکتار از اراضی زراعی این منطقه با فروش به گردشگران و سوداگران زمین، از زیرکشت خارج شده است. ساخت و سازها و احداث خانه های دوم بر روی زمین های زراعی نواحی روستایی این منطقه به صورت قارچ گونه، موجب افت زیبایی و آلودگی چشم انداز روستاهای این منطقه شده است. بنابراین توسعه این شکل از گردشگری بخشی از ظرفیتهای زمینهای زراعی و باغی منطقه را که می توانست در جهت توسعه گردشگری مزرعه ای نقش آفرینی کند و باعث همپیوندی مکمل بین این دو بخش گردد را مورد تخریب و آسیب قرار داده است. بدین ترتیب ماهیت پیوند بخش گردشگری و کشاورزی در مولفه کاربری زمین از نوع پیوند نامطلوب و متضاد می باشد.

جدول شماره (۲): مساحت اراضی کشاورزی منطقه از سال ۱۳۹۵-۱۳۷۵

سال	مساحت اراضی زراعی به هکتار	اراضی باغی به هکتار	اراضی زراعی از زیر کشت خارج شده (بایر شده)
۱۳۷۵	۷۰۰	۱۶۰	۵
۱۳۸۵	۶۱۰	۱۴۰	۱۵
۱۳۹۵	۴۰۰	۱۰۶	۳۰

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۶.

اشتغالزایی در نواحی روستایی به ویژه متنوع سازی شغلی در بخش کشاورزی از طریق معرفی زمینه های شغلی جدید در این بخش در نتیجه توسعه گردشگری به عنوان یکی از حلقه های پیوند بین بخش گردشگری و کشاورزی می باشد و در نتیجه این امر، بخش گردشگری می تواند نقش مکمل را برای حمایت از اقتصاد محلی از جمله بخش کشاورزی در راستای توسعه پایدار گردشگری ایفا کند. نتایج آزمون آماری نشان می دهد که میزان تاثیر توسعه گردشگری بر ابعاد اشتغالزایی در بخش کشاورزی با سطح تاثیر مطلوب آن (با میانگین رتبه ۳ و بیشتر از آن) در سطح آلفای کمتر از ۵ درصد تفاوت معناداری داشته است. بدین ترتیب پیامدهای توسعه گردشگری بر متغیرهای این مولفه با توجه به پایین تر بودن میانگین رتبه آنها از حد میانه و متوسط، نامطلوب ارزیابی می شود.

گرچه برخی از فرصتهای شغلی جدید در بخش کشاورزی نظیر پرورش قارچ، پرورش بلدرچین و مانند آن به صورت خیلی محدود در جهت پاسخگویی به نیازهای گردشگران و ساکنین در حال شکل گیری است. اما به طور کلی تاکنون بخش گردشگری در زمینه ایجاد ظرفیتهای شغلی جدید و افزایش اشتغال در بخش کشاورزی و متنوع سازی آن تا حد زیادی ناموفق بوده است. بدین ترتیب این بخش در زمینه اشتغال نقش تعارضی و تقابلی با بخش کشاورزی داشته است. به طوری که در دهه های اخیر همزمان با توسعه گردشگری، اشتغال در این بخش روند کاهشی و اشتغال به ویژه در بخش ساختمان به صورت مقطعی و فعالیت های خدماتی به ضاً کاذب ر شد چشمگیری داشته است. در این خصوص میزان شاغلین بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۵ در این دهستان، در روستاهای مورد مطالعه ۷۳ درصد و در سال ۱۹۹۵ به ۴۱/۴۶ درصد کاهش داشته است. در این رابطه کاهش شاغلین بخش کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری با کاهش تولیدات کشاورزی نیز همراه بوده است. همچنین نتایج داده های آماری جمع آوری شده، حاکی از کاهش بهره برداران زراعی و باغی در طی دهه های اخیر بوده است. تعداد بهره برداران زراعی و باغی به ترتیب در سال ۱۳۸۵، ۱۳۷۰ نفر و در سال ۱۳۹۵ به ۸۳۰ نفر کاهش داشته است. همچنین تعداد سرپرستان خانوار با فعالیت اقتصادی دامداری در این منطقه در سال ۱۳۷۵، ۳۸۰ نفر بوده این تعداد در سال ۱۳۹۵ به ۲۱۰ نفر رسیده است. با کاهش تعداد خانوارهای دامدار روستا، تعداد دام روستا و در نهایت تولیدات دامی روستاهای این منطقه نیز کاهش یافته است. به طوری که تعداد دام این روستا از ۱۳۴۵ راس در سال ۱۳۸۵ به ۹۲۷ راس در سال ۱۳۹۵ رسیده است. براین اساس در طی یک دهه با توسعه گردشگری، تغییرات اقتصادی گسترده ای در ناحیه مورد مطالعه ایجاد شده است. به طوری که قبل از توسعه گردشگری در ناحیه مورد مطالعه، کشاورزی به عنوان فعالیت اقتصادی غالب مطرح بوده است اما امروزه، یکی از مهم ترین منابع درآمدی ساکنین و فعالیت اقتصادی مهم در روستاهای منطقه، فعالیت های ساختمانی و خدماتی مرتبط با بخش گردشگری می باشد. در این راستا بررسی های حاصل از داده های پرسشنامه ای جامعه



اثرات توسعه گردشگری روستایی بر بخش کشاورزی (مطالعه موردی: روستاهای جلگه ای دهستان میان بند شهرستان نور) ۱۱۹

نمونه نیز بیانگر آن است که به طور کلی میزان وابستگی شغلی خانوارهای نمونه مورد بررسی به بخش گردشگری در حد زیاد و میزان وابستگی شغلی به بخش کشاورزی در حد متوسط بوده است. از سوی دیگر نتایج آزمون همبستگی وی و کرامر حاکی از آن است که بین نوع فعالیت اقتصادی و وابستگی شغلی آنها به گردشگری همبستگی معناداری وجود دارد به طوری که میزان این همبستگی ۰/۶۲۸ و در سطح آلفای کمتر از ۵ درصد معنادار بوده است. در این رابطه فعالیت های کشاورزی و وابستگی شغلی و درآمدی کم با بخش گردشگری و فعالیت های ساختمانی و خدماتی، وابستگی شغلی و درآمدی زیادی با بخش گردشگری داشته اند.

جدول شماره (۳): میانگین رتبه و نتایج آزمون تی تک نمونه ای هریک از متغیرها در نتیجه توسعه گردشگری

Test value=3				متغیرها	مولفه ها
سطح معناداری	مقدار تی	اختلاف میانگین	میانگین رتبه		
۰/۰۰۰	-۵۱/۸	-۱/۴۳	۱/۵۶	تنوع شغلی	اشتغال در بخش کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری
۰/۰۰۰	-۴۷/۴	-۱/۴۱	۱/۵۸	فرصت های شغلی جدید	
۰/۰۰۰	-۳۷/۷	-۱/۶۴	۱/۳۶	تمایل به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی	تمایل به کار و فعالیت و سرمایه گذاری در نتیجه توسعه گردشگری
۰/۰۰۰	-۳۰/۳۳	-۱/۵۹	۱/۴۰	تمایل به کار و فعالیت در بخش کشاورزی	
۰/۰۰۰	-۳۷/۹	-۱/۵۸	۱/۴۱	تولیدات زراعی	ارزش افزوده و سود تولیدات کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری
۰/۰۰۰	-۳۴/۵۸	-۱/۵۰	۱/۵۰	تولیدات باغی	
۰/۰۰۰	-۲۳/۸۶	-۱/۳۵	۱/۶۵	تولیدات دامی	
۰/۰۰۰	-۴۲/۳۰	-۱/۶۸	۱/۳۲	تولیدات زراعی	میزان تولیدات کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری
۰/۰۰۰	-۲۴/۳۰	-۱/۴۶	۱/۵۳	تولیدات باغی	
۰/۰۰۰	-۱۵/۸۰	-۱/۲۰	۱/۷۹	تولیدات دامی	

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۶.

فعالیت های ساختمانی شکل گرفته در نتیجه توسعه گردشگری عمدتاً به صورت مقطعی و مربوط به زمان ساخت و سازها بوده است و امروزه کند شدن ساخت و سازها باعث بیکار شدن برخی از جمعیت فعال این بخش شده است. از طرف دیگر برخی از فعالیت های خدماتی نظیر مشاورین املاک در روستاهای این منطقه که بخشی از جمعیت را به خود مشغول کرده است از نوع کاذب و در راستای سوداگری و بورس بازی زمین می باشد. در روستاهای این منطقه ۶۰ واحد تجاری از نوع مشاورین املاک فعالیت می کنند. بدین ترتیب فعالیت های شکل گرفته در نتیجه توسعه گردشگری و اشتغال ایجاد شده، در راستای پیوند مطلوب بین بخش گردشگری و کشاورزی نمی باشد همچنین روند توسعه گردشگری منطقه، به سمت تک بعدی و قطبی شدن این نوع فعالیت و عدم پیوند آن با بخش کشاورزی است که این موضوع در تضاد با

اصول گردشگری پایدار می باشد. بر اساس اصول توسعه گردشگری پایدار، فعالیت گردشگری باید حمایت از فعالیت های اقتصادی محلی را در پی داشته باشد.

نتایج بررسی از جامعه نمونه نشان می دهد که میزان تمایل برای کار و فعالیت و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری در حد کم می باشد با توجه به این که میانگین رتبه دو متغیر به ترتیب ۱/۴۰ و ۱/۳۶ و کمتر از حد میانه و یا سطح مطلوب (با میانگین رتبه ۳ و بیشتر) بوده است. بر اساس نتایج آزمون آماری تی تک نمونه ای این فاصله و اختلاف با سطح مطلوب در سطح آلفای کمتر از ۵ درصد معنادار است. از سوی دیگر میزان تمایل برای کار و فعالیت و سرمایه گذاری بین دو بخش گردشگری و کشاورزی نیز تفاوت معناداری وجود دارد در این رابطه میزان تمایل برای کار و فعالیت در بخش گردشگری و میزان سرمایه گذاری به ترتیب با میانگین ۴/۳۴ و ۴/۴۷ در حد خیلی زیاد و میانگین کار و فعالیت و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به ترتیب با میانگین ۱/۴۰، ۱/۵۲ در حد کم بوده است و بر اساس آزمون آماری تی وابسته، میزان این تفاوت در سطح آلفای کمتر از ۵ درصد معنادار بوده است.

جدول شماره (۴): آزمون تی وابسته از میزان تفاوت بین تمایل برای کار و سرمایه گذاری در بخش گردشگری و کشاورزی

متغیر	میانگین رتبه در بخش گردشگری	میانگین رتبه در بخش کشاورزی	مقدار تی	اختلاف میانگین	میزان معناداری
تمایل برای کار و فعالیت	۴/۳۴	۱/۴۰	-۳۱/۴۵	۲/۹۴۰	۰/۰۰۰
تمایل برای سرمایه گذاری	۴/۴۷	۱/۵۲	-۱۷/۰۸	۳/۱۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۶.

از اثرات و پیامدهای توسعه گردشگری بر بخش کشاورزی در هر مقصدی، اثرگذاری آن بر میزان تولیدات کشاورزی می باشد در این رابطه نمونه های تجربی مطالعه شده در دنیا، حاکی از کاهش یا افزایش تولیدات کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری می باشد. در این خصوص نتایج نگرش ساکنین حاکی از کاهش تولیدات زراعی، باغی و دامی در نتیجه توسعه گردشگری می باشد. و میزان کاهش تولیدات کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری از سوی ساکنین در حد زیاد بیان شده است. و بر اساس آزمون آماری تی تک نمونه ای، میزان تفاوت تاثیرات توسعه گردشگری بر تولیدات بخش کشاورزی با حد مطلوب تاثیر آن (با رتبه ۳ و بیشتر از آن) در سطح آلفای کمتر از ۵ درصد معنادار بوده است. بر این اساس تاثیرات توسعه گردشگری بر میزان تولیدات کشاورزی نامطلوب ارزیابی می شود. در واقع کاهش تولیدات کشاورزی در این منطقه را می توان به عنوان یکی از پیامدهای تغییر کاربری اراضی کشاورزی به کاربری های مرتبط با توسعه گردشگری نام برد. علاوه بر آن همزمانی فصلی گردشگری با کشاورزی و مصرف زیاد آب توسط گردشگران، باعث کمبود آب شرب و کشاورزی در برخی از روستاهای این منطقه شده است. بدین ترتیب آب و خاک که به عنوان دو مولفه اصلی نقش تعیین کننده ای در تولیدات کشاورزی دارند با توسعه گردشگری در این منطقه، منابع آب و خاک (کاربری اراضی) این منطقه دچار مسائلی و تولیدات کشاورزی این منطقه تحت تاثیر قرار گرفته است.

درآمدزایی ساکنان روستایی در نتیجه ارزش افزوده و سود تولیدات بخش کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری به عنوان پیوند مطلوب بین این دو بخش محسوب می شود. بدین ترتیب بخش گردشگری با اثرگذاری بر میزان درآمد کشاورزان می تواند نقش مکملی را برای بخش کشاورزی ایفاء نماید. نتایج بررسی در ناحیه مورد مطالعه در زمینه فروش تولیدات غذاهای محلی نشان می دهد که گرچه در بعضی از جنبه نظیر فروش سبزی، تولیدات لبنی و غذاهای محلی و مانند آن توسعه گردشگری باعث افزایش درآمد کشاورزان و ارزش افزوده محصولات کشاورزی به ویژه محصولات دامی شده است. اما بر اساس نگرش ساکنان محلی، میزان سود و ارزش افزوده تولیدات کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری در حد کم بوده است و بر اساس آزمون آماری تی تک نمونه ای میزان تاثیرات گردشگری بر این شاخص ها با حد متوسط و مطلوب آن تفاوت داشته و این تفاوت در سطح آلفای کمتر از ۵ درصد معنادار بوده است. در این خصوص ساکنان بیشترین ارزش افزوده، و سود تولیدات در نتیجه توسعه گردشگری را مربوط به سود تولیدات دامی و کمترین ارزش افزوده و سود را مربوط به تولیدات زراعی دانسته اند.

## نتیجه گیری

هدف از این پژوهش شناخت و تبیین پیامدهای توسعه گردشگری بر بخش کشاورزی در راستای تحلیل ماهیت پیوند بین این دو بخش، در نواحی روستایی دهستان میان بند شهرستان نور می- باشد. در راستای این هدف، مولفه هایی نظیر کاربری زمین، اشتغال و نیروی کار، انگیزه برای سرمایه گذاری و فعالیت در بخش کشاورزی، میزان تولیدات و ارزش افزوده و سود این بخش در نتیجه توسعه گردشگری مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها بیانگر آن است که ماهیت پیوند و رابطه بین بخش گردشگری و کشاورزی در نواحی روستایی دهستان میان بند در رقابت با مولفه هایی نظیر کاربری زمین، نیروی کار و مانند آن از نوع پیوند نامطلوب است. به طوری که گردشگری به عنوان یکی از عوامل کلیدی و زمینه ساز در تغییر کاربری اراضی کشاورزی و کاهش سطح و تبدیل آن به اراضی بایر و کاربری های مسکونی ویلایی نقش بسیار موثری داشته است. در این رابطه توسعه گردشگری با رونق بورس بازی و سوداگری زمین در نواحی روستایی این منطقه باعث رشد بی رویه قیمت اراضی به ویژه اراضی زراعی شده است که این امر در نتیجه عواملی نظیر ضعف قوانین و مقررات و عدم اجرای دقیق آن و بالا بودن سود حاصل از فروش اراضی کشاورزی در مقایسه با درآمد حاصل از فعالیت در آن، حمایت کم دولت از بخش کشاورزی و عواملی مانند آن منجر به تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی و تبدیل آن به ساخت و سازهای مرتبط با بخش گردشگری و نیز در نهایت موجب آسیب رسانی و تخریب بخش کشاورزی شده است. بنابراین بخش کشاورزی این منطقه به عنوان محصول و جاذبه برای بخش گردشگری در جهت پیوند مکمل مطرح نشده است. نمونه این رابطه متضاد و پیوند نامطلوب میان گردشگری و کشاورزی، در حوزه کرائیب (بلیسل ۱۹۸۳، و ویور ولواتان، ۲۰۰۱)، سواحل مدیترانه ای اسپانیا (تیراکووسکی، ۱۹۸۶) و مکزیک (بلیسل، ۱۹۸۴) نیز مورد مطالعه و تأیید محققان قرار گرفت. از این رو نتیجه این مطالعه با یافته های محققان فوق الذکر همسو می باشد.

نتیجه کاهش سطح اراضی کشاورزی در ناحیه مورد مطالعه در رقابت با فعالیت گردشگری، منجر به کاهش نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی شده است. به طوری که با توسعه گردشگری در ناحیه مورد مطالعه و در نتیجه آن رونق فعالیت های ساختمانی مرتبط با بخش گردشگری به صورت مقطعی و نیز فعالیت های خدماتی بعضاً کاذب و غیرمولد، نیروی کار شاغل در فعالیتهای بخش کشاورزی کاهش یافته است. بنابراین با توسعه گردشگری در منطقه نه تنها زمینه و ظرفیت های شغلی جدیدی در بخش کشاورزی در راستای پیوند مطلوب بین این دو بخش شکل نگرفته است بلکه تعداد شاغلین این بخش نیز به شدت کاهش داشته است. بدین ترتیب با توسعه گردشگری، فعالیت اقتصادی غالب منطقه از نوع کشاورزی به فعالیت های مرتبط با بخش گردشگری تغییر کرده است. بخشی از فعالیت های که در نتیجه توسعه گردشگری شکل گرفته اند مربوط به فعالیت های ساختمانی بوده است که عمدتاً این نوع فعالیت ها مربوط به زمان رونق ساخت و سازها به ویژه ساخت خانه دوم و ویلاها بوده است. و امروزه با توجه به کند شدن ساخت و سازها، باعث بیکار شدن بخشی از جمعیت شاغل این نوع فعالیت شده است. نوع دیگر فعالیت شکل گرفته در این منطقه، فعالیت های مرتبط با بخش خدماتی می باشد. برخی از فعالیت های خدماتی این بخش در روستاهای این منطقه نظیر مشاورین املاک عمدتاً فعالیت کاذب و غیرمولد در راستای بورس بازی و سوداگری اراضی کشاورزی شکل گرفته است. بدین ترتیب فعالیت های شکل گرفته در بخش گردشگری در راستای حمایت از فعالیت های اقتصادی محلی و نیز در جهت پیوند مطلوب با بخش کشاورزی و توسعه آن نبوده و همچنین روند توسعه بخش گردشگری گویای تک بعدی و قطبی شدن اقتصاد روستایی منطقه به فعالیت گردشگری و وابستگی بیش از حد اقتصاد روستا به آن است. که این امر با توجه به شکننده بودن فعالیت گردشگری در تضاد با اصول توسعه گردشگری پایدار می باشد.

نتایج حاکی از آن است که در نتیجه توسعه گردشگری و عدم همپیوندی مطلوب آن با بخش کشاورزی از یک سو و از سوی دیگر عواملی مانند پایین بودن سطح درآمد کشاورزی در مقایسه با بخش گردشگری و سختی فعالیت در بخش کشاورزی و شکل گیری فعالیت های خدماتی بعضاً کاذب موجب کاهش انگیزه ساکنین برای کار و فعالیت و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی شده است. همچنین نتایج نشان می دهد که تفاوت به لحاظ میزان تمایل ساکنین برای کار و فعالیت و سرمایه گذاری بین این دو بخش معنادار است. در نتیجه کاهش نیروی کار به ویژه نیروی کار جوان در بخش کشاورزی، انگیزه پایین ساکنین جهت فعالیت در این بخش و نیز کاهش سطح اراضی کشاورزی در نتیجه تغییر کاربری زمین، میزان تولیدات بخش کشاورزی نیز تحت تاثیر قرار گرفته است. به طوری که با توسعه گردشگری میزان تولیدات کشاورزی نظیر تولیدات باغی، زراعی و دامی کاهش یافته است. در این خصوص بیشترین کاهش تولیدات کشاورزی در نتیجه توسعه گردشگری مربوط به تولیدات زراعی می باشد. بر این اساس نتایج این یافته ها با نتایج تیراکووسکی از سواحل مدیترانه ای اسپانیا و نتایج مطالعات تورس (۲۰۰۳) از مکزیک که به این نتیجه رسیدند در نتیجه توسعه گردشگری تولیدات کشاورزی کاهش یافته است مطابقت دارد.

یکی از نتایج پیوند مطلوب بین بخش گردشگری و کشاورزی در هر مقصدی، فروش تولیدات محلی و غذایی حاصل از بخش کشاورزی به گردشگران در جهت رفع نیازهای غذایی آنها و کسب درآمد و ارزش افزوده و سود ناشی از آن برای ساکنین است. در این رابطه اگر چه توسعه گردشگری، باعث رشد محدود و کم ارزش افزوده و سود حاصله از فروش تولیدات کشاورزی به ویژه تولیدات دامی و باغی به گردشگران در این منطقه شده است. اما براساس نتایج آزمون آماری این میزان رشد درآمدی و ارزش افزوده در نتیجه توسعه گردشگری با سطح مطلوب آن تفاوت معناداری دارد. بدین ترتیب پیوند شکل گرفته بین دو بخش گردشگری و کشاورزی ضعیف و به سطح مطلوب خود نرسیده است.

منابع

۱. بمانیان، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی، (۱۳۸۸)، مبانی برنامه ریزی و توسعه گردشگری روستایی، انتشارات هله.
  ۲. رضوانی، محمد رضا؛ نجارزاده، محمد و ترابی ذبیح الله، (۱۳۹۵)، چالش ها و مباحث توسعه گردشگری کشاورزی. مورد مطالعه مناطق روستایی شهرستان شاهرود، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال یازدهم شماره ۳۶: ۸۴-۶۱.
  ۳. علیقلی زاده فیروزجایی، ناصر؛ بدری، سید علی و فرجی سبکبار، حسنعلی، (۱۳۸۶)، نگرش جامعه میزبان به اثرات محیطی و اقتصادی گردشگری در نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان نوشهر، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱: ۲۲-۱.
  ۴. قدمی مصطفی و صالحی، صادق، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر در شکل گیری رابطه متضاد میان بخش گردشگری و کشاورزی (نمونه مورد مطالعه: شهرستان چالوش، نوشهر)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال هفتم، شماره هفده: ۲۰۳-۱۷۳.
  ۵. قدمی مصطفی و غلامیان بایی، محمد، (۱۳۹۳)، اثرات گردشگری، پیامدها، چارچوت ها و سیاستها، انتشارات مهکامه.
  ۶. کریمی، سعید، (۱۳۹۳)، کارآفرینی گردشگری کشاورزی، راهبردی نوین برای توسعه روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره چهارم: ۹۰-۶۹.
  ۷. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان مازندران، شناسنامه آبادیهای کشور، ۱۳۹۵.
  ۸. مطیعی لنگرودی، سید حسن و رضاییه آزادی، مریم، (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات اقتصادی گردشگری از دیدگاه جامعه میزبان در تفرجگاه بند ارومیه، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره دوم، پیاپی ۴: ۹۱-۷۵.
  ۹. میچل، جانتان و اشلی، کرولاین، (۱۳۹۲)، توریسم و کاهش فقر، ترجمه علی شکوری، انتشارات جامعه شناسان.
  ۱۰. ورمزیاری، حجت؛ رحیمی، علیرضا؛ فاقعی، داوود و اسدی، علی، (۱۳۹۵)، تحلیل انگیزه های گردشگران در انتخاب مقصد گردشگری کشاورزی (مطالعه موردی: بخش الموت شرقی)، مجله پژوهش های روستایی، دوره ۷، شماره ۴: ۶۵۷-۶۴۴.
  ۱۱. ورمزیاری، حجت؛ رحیمی، علیرضا و بابایی؛ محسن (۱۳۹۶)، تحلیل فعالیتها و خدمات مطلوب گردشگری کشاورزی (مطالعه موردی: گردشگران الموت شرقی)، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال ششم، شماره، بیست و یکم: ۹۵-۷۷.
- 1.
  2. Belisle, J, Francois.,(1983), Tourism and Food Production in the Caribbean, Annals of Tourism Research 10: 497-513
  3. Bowen, Richard L., Linda J. Cox, and Morton Fox.,(1991), The Interface between Tourism and Agriculture, Journal of Tourism Studies 2:43-54.
  4. Byrd,T, Erick; Bosley,E, Holly and Dronberger, G,Meghan.,(2009), Comparisons of stakeholder perceptions of tourism impacts in rural eastern North Carolina, Tourism Management 30 : 693–703.
  5. Certina, Fabio;Markandia,Anil and Mcaleer, Michael(2009). Economics of sustainable tourism, Published by Routledge.
  6. Cox, Linda, J, Morton, Fox, and Richard L. Bowen., (1994), Does tourism destroy agriculture?, Annals of Tourism Research Vol, 22: 210-213.
  7. de Kadt, E., (1979), Tourism: Passport to development?, Oxford: Oxford University Press.
  8. Entrena, M.R., Colombo, S., Balmón, M.A ( 2017). The landscape of olive groves as a driver of the rural economy. Land Use Policy 65: 164–175.
  9. Hüller, Sarah. Heiny,J, Leonhäuser,L,U.,(2017), Linking agricultural food production and rural tourism in the Kazbegi district – A qualitative study,Annals of Agrarian Science vol.15, no.1:40-48.
  10. Liu ,Guohua ;Liu, Zhanfeng; Hu, Huifeng; Wu, Gang and Dai ,Limin .,(2008), The impact of tourism on agriculture inLugu Lake region, International Journal of Sustainable Development & World Ecology 15. 3-9.
  11. Koutsouris,Alex, Gidarakou, Isabella, Grava,Foteine and Michailidis, Anastasios (2014), The phantom of (agri)tourism and agriculture symbiosis? A Greek case study. Tourism management perspective. 12:49-103.

12. Mc Clinchey, A. Kelley., (1999), Rural images, tourism and sustainability, Thesis submitted to the department of geography and environmental studies in partial fulfilment of the requirements for M.A of environmental studies in geography Wilfrid Laurier university.
13. McGehee, Nancy., (2007), An Agritourism Systems Model: A Weberian Perspective, Journal of Sustainable Tourism, Vol. 15, No. 2.
14. Pan Shu-Yuan, Gao, Mengyao, Kim, Hyunook, Shah, Kinjal J, Pei, Si-Lu, Chiang, Pen-Chi (2018). Advances and challenges in sustainable tourism toward a green economy. Science of the Total Environment 635. 452–469.
15. Pillay, Manisha and Rogerson, M, Christian., (2013), Agriculture-tourism linkages and pro-poor impacts: The accommodation sector of urban coastal KwaZulu-Natal, South Africa, Applied Geography 36: 49-58.
16. Rogerson, M, Christian., (2012), Tourism-agriculture linkages in rural South Africa: evidence from the accommodation sector., Journal of Sustainable Tourism, Vol. ۲۰, No. ۳: ۴۷۷-۴۹۵.
17. Sanches-Pereira a,b Alessandro, Onguglo, Bonapas, Pacine, Henrique, Teixeira Coelho, Suani, Gómez Galindo, Fernanda, Maria and Muwanga K, Musa., (2017), Fostering local sustainable development in Tanzania by enhancing linkages between tourism and small-scale agriculture, Journal of Cleaner Production.
18. Schirpke, Uta, Altzinger, Andreas, Leitinger, Gorg, Tasser, Erich (2019). Change from agricultural to touristic use: Effects on the aesthetic value of landscapes over the last 150 years, Landscape and Urban Planning. 187:23-35.
19. Sharpley, R., (2002), Rural tourism and the challenge of tourism diversification: The case of Cyprus, Tourism Management, 23(3):233–244.
20. Stott, A. Margaret., (1980), Tourism in Mykonos; Some social and cultural responses, Mediterranean Studies, 1980.
21. Su, B.R., (۲۰۱۱), Rural tourism in China, Tourism Management ۳۲:۱۴۳۸–۱۴۴۱.
22. Streifeneder, Thomas., (2016), Agriculture first: Assessing European policies and scientific typologies to define authentic agritourism and differentiate it from countryside tourism, Tourism Management Perspectives 20: 251–264.
23. Telfer, J, David and Wall, Geoffrey., (1996), Linkages between tourism and food production, Annals of Tourism Research, Vol. 23, No. 3: 635-653.
24. Tew, Christine and Barbieri, Carla., (2012), The perceived benefits of agritourism: The provider's perspective, Tourism Management 33 :215-224.
25. Torres, Rebecca., (2003), Linkages between tourism and agriculture in Mexico, Annals of Tourism Research, Vol. 30, No. 3, pp. 546–566.
26. Torres, R., & Momsen, J.H. (Eds.). (2011), Tourism and agriculture: New geographies of consumption, production and rural restructuring, London: Routledge.
27. Weaver, D and Lawton., (2001), Resident perceptions in the urban-rural fringe, Annals of tourism research, 28(2) :349-458.
28. Zhang, Yongxun, He, Lulu, Li, Xiande, Zhang, Canqiang, Qian, Chen, Li, Jingdong, Zhang, Aiping (2019). Why are the Longji Terraces in Southwest China maintained well? A conservation mechanism for agricultural landscapes based on agricultural multi-functions developed by multi-stakeholders. Land Use Policy 85. 42–51.